

کتاب دانیال - یکصد و سی و سوم

فاش سازی بافت نبوی: بینش‌هایی دربارهٔ زمان مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰ نفر

Jeff Pippenger

2024-03-13

همهٔ انبیا با یکدیگر توافق دارند، و همهٔ ایشان به‌طور خاص‌تر دربارهٔ پایان جهان شهادت می‌دهند تا دربارهٔ ایامی که خود در آن می‌زیستند. شهادت آنان باید در دورهٔ نبوی زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار به‌کار گرفته شود، زیرا اثر هر رؤیا در همان‌جاست که واقع می‌شود. اشعیا، در باب ششم، در رؤیا اجازه یافت که به قدس‌الاقداص نظر افکند، در طی دورهٔ زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار، جایی که جلال خدا را دید. می‌دانیم که این پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود، زیرا او در آیهٔ سه فرشتگان را شنید که تصدیق می‌کردند زمین در آن هنگام از جلال او مملو بود.

«هنگامی که خدا در آستانهٔ فرستادن اشعیا با پیامی به سوی قوم خویش بود، نخست به آن نبی اجازه داد که در رؤیا به قدس‌الاقداص درون مقدس بنگرد. ناگهان دروازه و حجاب درونی هیکل چنان می‌نمود که برافراشته یا کنار زده شده است، و به او اجازت داده شد که به درون، به قدس‌الاقداص، نظر افکند؛ همان‌جا که حتی پای نبی نیز نمی‌توانست بدان داخل شود. در برابر او رؤیایی از یهوه پدیدار شد که بر تختی بلند و برافراشته نشسته بود، و دامان جلال او هیکل را پر کرده بود. گرداگرد تخت، سرافین همچون نگهبانانی پیرامون آن پادشاه عظیم ایستاده بودند، و جلالی را که ایشان را احاطه کرده بود باز می‌تاباندند. چون سرودهای ستایش ایشان با نغمه‌های ژرف پرستش طنین‌انداز شد، ستون‌های دروازه به لرزه درآمد، گویی از زلزله‌ای به تکان آمده باشد. این فرشتگان با لب‌هایی که به گناه آلوده نشده بود، ستایش‌های خدا را فرو می‌ریختند. «قدوس، قدوس، قدوس، یهوه صباوت است؛ تمامی زمین از جلال او مملو است»، ندا دردادند. [نگاه کنید به اشعیا ۶: ۸-۱۰].»

سرافیم گرداگرد تخت، آنگاه که جلال خدا را می‌نگرند، چنان از هیبت آمیخته با حرمت سرشارند که حتی لحظه‌ای به خویشتن با تحسین نمی‌نگرند. ستایش ایشان از آن یهوه صباوت است. چون به آینده می‌نگرند، هنگامی که تمامی زمین از جلال او مملو خواهد شد، سرود ظفرمندان به‌صورت آوازی دلنشین از یکی به دیگری طنین می‌افکند: «قدوس، قدوس، قدوس، یهوه صباوت است.» ایشان به‌تمامی خرسندند که خدا را تمجید کنند؛ در حضور او ساکن بوده، زیر لیخنهٔ رضامندی او، هیچ چیز بیشتری آرزو نمی‌کنند. در حمل صورت او، در به‌جا آوردن امر او، و در پرستش او، والاترین آرمان ایشان تحقق می‌یابد.» Gospel Workers, 21.

در توافق با اشعیا، به حزقیال نبی نیز اجازت داده شد که به قدس‌الاقداص نظر افکند. رؤیای حزقیال در باب اول، آیهٔ اول آغاز شد.

و واقع شد در سال سی‌ام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در میان اسیران نزد نهر خابور بودم، آسمان‌ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. حزقیال ۱: ۱.

تهان جو رویا باین تائین جاري رهي ټو، ې اهو ټي ساږيو رويو باب ائين ې نائين ې ډنل روئي جو تسلسل آهي، جي ڪو هڪ لک چووالهه هزارن جي مهر هټ ڪي سڃاڻپ ڏئي ٿو. اسان اهو سندس محتاط شاهديءَ وسيلي ڄاڻون ٿا.

و در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، واقع شد که چون در خانهٔ خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش روی من نشسته بودند، دست یهوه خداوند در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه

نگریستم، و اینک شباهتی چون منظر آتش: از منظر کمر او به پایین، آتش؛ و از کمر او به بالا، چون منظر درخشندگی، همچون رنگ کهربا. و او صورت دستی را دراز کرد و مرا از گیسوی از سرم گرفت؛ و روح، مرا میان زمین و آسمان برگرفت و در رؤیاهای خدا به اورشلیم آورد، به در دروازه اندرونی که رو به شمال دارد؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود که به غیرت برمی‌انگیزاند. و اینک جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، مطابق رؤیایی که در هامون دیده بودم. حزقیال ۸:۴-۴

رؤیای باب‌های هشت و نه، که دو طبقه‌ای را مشخص می‌کند که در جریان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن پدید می‌آیند، «مطابق رؤیایی بود که» حزقیال آن را «در هامون» دیده بود. رؤیایی که او در هامون دیده بود، در باب سوم معرفی شده است.

اور وہاں مجھ پر خداوند کا ہاتھ تھا؛ اور اُس نے مجھ سے کہا، اُٹھ، میدان میں نکل جا، اور میں وہاں تجھ سے کلام کروں گا۔ تب میں اُٹھا اور میدان میں نکل گیا؛ اور دیکھو، خداوند کا جلال وہاں قائم تھا، اُسی جلال کی مانند جو میں نے دریائے کبار کے پاس دیکھا تھا؛ اور میں اپنے منہ کے بل گر پڑا۔ حزقی ایل 22:3، 23.

رؤیای حزقیال از «صحرا» همان «جلالی» بود که حزقیال «نزد نهر خبار» دید، و آن همان رؤیای فصل اول، آیه اول بود. رؤیای مهرگذاری در فصل نهم، و رؤیای «صحرا»، صرفاً ادامه‌های رؤیای نهر خبار بودند. آن، رؤیایی از جلال خدا در مکان اقدس بود، در هنگام مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار، همان‌گونه که رؤیای اشعیا نیز چنین بود. رؤیای اشعیا کار خدا را در برانگیختن رسولان در زمان مهرگذاری مشخص می‌ساخت، و در فصل‌های دو و سه، حزقیال همان کار را با جزئیاتی بیشتر از اشعیا معرفی می‌کند، زیرا او رسولی را به تصویر می‌کشد که باید پیامی را به ادونتیسیم لائودیکیه حمل کند؛ و برای آنکه پیامی را که باید به آن قوم سرکش، که از کنارشان می‌گذرند، برساند، درک کند، به حزقیال فرمان داده می‌شود که کتاب کوچک را بخورد؛ همان کتابی که در دست آن فرشته بود، هنگامی که او در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد.

و نیز به من گفت: ای پسر انسان، آنچه می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو و با خاندان اسرائیل سخن بگو. پس دهان خود را گشودم، و او آن طومار را به من خورانید. و به من گفت: ای پسر انسان، شکمت را بخوران و اندرونت را از این طوماری که به تو می‌دهم پر کن. آنگاه آن را خوردم؛ و در دهانم از شیرینی چون عسل بود. و به من گفت: ای پسر انسان، برخیز و به سوی خاندان اسرائیل برو و سخنان مرا به ایشان بگو. زیرا تو به نزد قومی با زبان بیگانه و گفتاری دشوار فرستاده نشده‌ای، بلکه به نزد خاندان اسرائیل؛ نه به نزد قوم‌های بسیار با زبان بیگانه و گفتاری دشوار که سخنان ایشان را نتوانی فهمید. یقیناً اگر تو را به نزد ایشان فرستاده بودم، به تو گوش می‌دادند. اما خاندان اسرائیل به تو گوش نخواهند داد، زیرا به من گوش نمی‌دهند؛ چون تمامی خاندان اسرائیل گستاخ و سخت‌دل‌اند. اینک من روی تو را در برابر روی‌های ایشان استوار ساخته‌ام، و پیشانی تو را در برابر پیشانی‌های ایشان نیرومند گردانیده‌ام. پیشانی تو را چون الماس، سخت‌تر از سنگ خارا ساخته‌ام؛ از ایشان مترس، و از نگاه‌هایشان هراسان مشو، هرچند خانه‌ای عاصی باشند. حزقیال ۳:۹-۱۳.

در کتاب مقدس، امت شخصی بیگانه است، و بیگانه به زبانی نامأنوس سخن می‌گوید. حزقیال به سوی خاندان اسرائیل معاصر فرستاده شد؛ که در زمان مهرگذاری، کلیسای ادونتیسیم روز هفتم لائودیکیه است، که از آن عبور می‌شود. پیام در خلال زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار، برای کلیسای خداست که نخست داوری می‌شود؛ و سپس، در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، ندای دوم مکاشفه باب هجده، گله امتی خدا را از بابل فرا می‌خواند. هنگامی که اشعیا، در باب شش، نماینده کسانی است که دعوت فرستاده شدن به سوی خاندان سرکش را با پیام لائودیکیه می‌پذیرند، از پیش به او هشدار داده می‌شود که آنان قومی هستند که با آنکه می‌بینند، ادراک نمی‌کنند، و با آنکه

می‌شنوند، نمی‌فهمند. اشعیا همان صفتی را ثبت می‌کند که عیسی از اشعیا باب شش نقل کرد، آنگاه که همان صفت را به یهودیان خرده‌گیر، که در تاریخ مسیح از آنان عبور می‌شد، نسبت داد.

در باب دوازدهم، حزقیال نیز دقیقاً از همان اصطلاحات بهره می‌گیرد و بدین‌سان باب دوازدهم را به‌طور مشخص در زمان مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار قرار می‌دهد.

کلام خداوند نیز بر من نازل شد و گفت: «ای پسر انسان، تو در میان خاندان عاصی ساکنی؛ که چشمانی برای دیدن دارند، و نمی‌بینند؛ گوش‌هایی برای شنیدن دارند، و نمی‌شنوند؛ زیرا آنان خاندان عاصی‌اند.» حزقیال ۱۲:۱، ۲

حزقی‌ایل باب دوازدهم، زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را مشخص می‌سازد، و بدین‌وسيله به پیام جعلی باران آخر می‌پردازد که مستان افرایم، که بر قوم اورشلیم حکم می‌رانند، عرضه می‌کنند؛ همان مستانی که نمی‌توانند کتاب مهرشده را بخوانند. پیام جعلی باران آخر ایشان بر این اساس استوار است که رؤیاهای نبوی کلام خدا را به آینده‌ای بسیار دور منتقل می‌سازند.

در آیات سه تا پانزده، به حزقیال دستور داده می‌شود که به اسارت رفتن قوم خدا به بابل را به تصویر بکشد. اسارت در بابل نمایانگر قانون یکشنبه‌ای است که به‌زودی خواهد آمد؛ سپس در آیات شانزده تا بیست، او قحطی‌ای را که destruction شهرها را همراهی می‌کند و از ساعت زلزله عظیم آغاز می‌شود—که همان قانون یکشنبه‌ای در شرف وقوع است—مشخص می‌سازد. مزایای زندگی در روستا در خلال آن زمان بحران نیز در آنجا به تصویر کشیده شده است، و سپس در آیات بیست‌ویک تا بیست‌وهشت، با آن بخشی روبه‌رو هستیم که در تاریخ میلری به‌عنوان حقیقت حاضر شناخته شد. آن بخش در کتاب جدال عظیم، در شرح تاریخ میلری در آن کتاب، کلمه به کلمه نقل شده است.

اور خداوند کا کلام مجھ پر نازل ہوا کہ، اے آدم زاد، یہ کیا مثل ہے جو تم اسرائیل کی سرزمین میں کہتے ہو کہ دن لمبے ہوتے جاتے ہیں اور ہر رویا باطل ٹھہرتا ہے؟ پس اُن سے کہہ، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: میں اس مثل کو موقوف کر دوں گا، اور وہ اسے اسرائیل میں پھر مثل کے طور پر استعمال نہ کریں گے؛ بلکہ اُن سے کہہ، دن نزدیک ہیں اور ہر رویا کی تکمیل بھی۔ کیونکہ اسرائیل کے گھرانے میں نہ پھر کوئی باطل رویا ہوگا اور نہ خوشامدی فال گیری۔ کیونکہ میں خداوند ہوں: میں کلام کروں گا، اور جو کلام میں کروں گا وہ پورا ہوگا؛ اب وہ مزید مؤخر نہ ہوگا؛ کیونکہ اے باغی گھرانے، تمہارے ہی دنوں میں میں یہ کلام کہوں گا اور اسے پورا بھی کروں گا، خداوند خدا فرماتا ہے۔ پھر خداوند کا کلام مجھ پر نازل ہوا کہ، اے آدم زاد، دیکھ، اسرائیل کے گھرانے کے لوگ کہتے ہیں، جو رویا وہ دیکھتے ہیں وہ بہت دنوں کے بعد کے لیے ہے، اور وہ اُن زمانوں کی نبوت کرتا ہے جو بہت دور ہیں۔ اس لیے اُن سے کہہ، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: میرے کلام میں سے اب کوئی بھی مزید مؤخر نہ ہوگا، بلکہ جو کلام میں نے فرمایا ہے وہی پورا ہوگا، خداوند خدا فرماتا ہے۔ حزقی ایل 28-12:21

پیام باران آخر جعلی کہ در زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار ارائه می‌شود، ادعا می‌کند که «ایام به درازا کشیده می‌شود و هر رؤیایی باطل می‌گردد.» مگر نه این است که آن رسولانی که به‌وسیله موسی، ایلیا، حزقیال، اشعیا و یوحنا نمایانده شده‌اند، در پیشگویی خود درباره ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ ناکام ماندند؟ پیام ادونتیسٹ لائودیکه‌ای در آن زمان این است که «رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است، و او درباره زمان‌های دور نبوت می‌کند.» در آن تاریخ، نه تنها هر رؤیا به وقوع خواهد پیوست، بلکه رسول مأمور است به خانه گمشده اسرائیل مدرن بگوید: «خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید»، «من» این «مثل» جعلی ادونتیسٹ لائودیکه‌ای را «باطل خواهم ساخت.» به ایشان بگو: «ایام نزدیک است، و تحقق هر رؤیا.» «دیگر هیچ‌یک از سخنان من به درازا نخواهد کشید، بلکه کلامی که گفته‌ام به انجام خواهد رسید، خداوندگار یهوه می‌فرماید.»

پیام لائودکیه اقتضا می‌کند که این پیام تصریح نماید که روزهای نزدیک است که تحقق اثر هر رؤیا فرا می‌رسد، و آن روزها، روزهای مهر شدن صد و چهل و چهار هزار است. نکته اساسی که نباید در این عبارت از نظر دور بماند، این است که خداوند به طور مستقیم اعلام می‌دارد که در «روزها» پی که نمایانگر دوره زمان مهر شدن است، «رؤیای باطل» ادونتیسیم لائودکیه‌ای، «غیب‌گویی چاپلوسانه» آنان، و «مثل» جعلی ایشان را از میان خواهد برد. خداوند پیام باران آخر قلبی آنان را پیش از قانون یکشنبه قریب‌الوقوع متوقف می‌سازد، زیرا آن را در همان روزهایی که مورد خطاب اوست به پایان می‌رساند. او آن را از میان می‌برد، بدین‌سان که پیام حقیقی باران آخر را تأیید می‌کند، در حالی که آنان را که برای آن برگزیده شده‌اند تا در قانون یکشنبه به زودی فرارسنده علم باشند، برمی‌افرازد. این برگزیدگان پیش از «زلزله» مهر می‌شوند.

و دوسرا طریقه جس کے ذریعہ وہ جعلی آخری بارش کے پیغام کی باطل مثل کو موقوف کر دیتا ہے، خدا کے ان غیر متوقع اور بتدریج شدت اختیار کرتے ہوئے عدالتوں کی آمد ہے، جو تاریکی کے فرزندوں پر ایک ہمہ گیر اور عظیم حیرت کے طور پر آتی ہیں، لیکن عین اسی پیغام کا حصہ ہوتی ہیں جس کی پیشین گوئی نور کے فرزند کرتے آئے ہوں گے۔ جس تاریخ میں ہم اب داخل ہو رہے ہیں، وہ خدا کی عدالتوں کا سامنا کرنے والی ہے۔ ان عدالتوں کی نمائندگی خدا کے کلام میں بار بار کی گئی ہے، اور مهر کرنے کا زمانہ، جو 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوا، وہ مقام ہے جہاں ہر رویا، بشمول خدا کی عدالتوں کی رویا کے، ضرور پہنچنا ہے، کیونکہ اُس کا کلام کبھی ناکام نہیں ہوتا۔

در مقالات پیشین نشان دادیم که سه باب نخست کتاب دانیال، نمایانگر پیام‌های سه فرشته‌ای باب چهاردهم مکاشفه‌اند. باب دوم، پیام فرشته دوم است، و از این رو تصویری از دومین آزمون در دوره مهرگذاری به شمار می‌آید. نخستین آزمون، باب اول بود، و آن آزمون خوراک بود؛ اینکه آیا شخص خوراک آسمانی را برمی‌گزیند یا خوراک بابل را. باب دوم، به وسیله حقیقت نهفته در رؤیای نبوکدنصر درباره تمثال حیوانات، که همان پادشاهی‌ها هستند، به تصویر کشیده شده بود.

دانیال دو، آزمون صورت وحش را در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نمایندگی می‌کند، و دربردارنده فهمی پنهان است، زیرا نبوکدنصر نتوانست خواب را به یاد آورد. این، حقیقتی نهفته را مجسم می‌سازد که در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار گشوده می‌شود، و نیز حقیقتی پنهان را درباره ممالک نبوت کتاب مقدسی که در آن صورت بازنمایی شده‌اند. این امر برای دانیال و آن سه مرد برگزیده آزمونی مرگ و زندگی بود، و همچنین برای حکیمان کلدانی که از خوراک بابل می‌خوردند.

به الن وین نشان داده شد که صورت وحش «پیش از بسته شدن زمان آزمایش» تشکیل خواهد شد، «زیرا آن، آزمون عظیم برای قوم خداست که به واسطه آن سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد.» رؤیای پنهان نبوکدنصر نمایانگر آن آزمون است. حقیقت نهفته آن صورت که در این ایام مکشوف شده است، آنگاه که تأثیر هر رؤیا دیگر به تأخیر انداخته نمی‌شود، این است که عیسی، به عنوان آلفا و امگا، در نخستین و آخرین اشارات به پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس، مشخص ساخت که وحش هشتم از آن هفت است.

هک ت سا ی پاپ تردق نامه، ت سا ت ف ه ن آ زا هک، مه د ف ه باب ه ف ش ا ک م ش ح و ن ی م ت ش ه ن ی ا ه د ش ر ا ک ش آ هک یرت ا ف ر ژ ن ا ه ن پ ز ا ر و؛ ت سا ه د ش ه د ی ن ا د ر گ ز ا ب ن ی م ز ت خ ت ه ب ل ی ک ش ت ا ر ش ح و ز ا یر ی و ص ت، ت ل م ن ی ا ر د ه د ح ت م ت ا ل ا ی ا هک ه ن و گ ا ن ا م ه هک ت سا ت ف ه ن آ زا هک ی ل ا ح ر د، د ر ک د ه ا و خ ی گ د ن ی ا م ن ز ی ن ا ر م ت ش ه ه د ی د پ ن ی ن چ م ه، د ه د ی م د ن م ت و ر ث ر و ه م ج ل س ی ئ ر نامه هک، ۱۹۸۹ ل ا س ر د ر خ آ ن ا م ز ز ا ر و ه م ج ل س ی ئ ر ن ی م ش ر ش. ت سا ی ق ر ت م ن ا ی ا ر گ ی ن ا ه ج ت س د ه ب ۲۰۲۰ ل ا س ر د، د ر و آ ن ا ج ی ه ه ب ا ر ا ه د ژ ا و ر م ل ق م ا م ت و ت سا ی س ا ی س ی م خ ز، ل ا ر ب ی ل و، ک و و ژ ر د ه ا و خ ی ر و ه م ج خ ا ش هک ه ا گ ن آ، د ر ک ت ف ا ی ر د ر ا ب گ ر م ی

دش رورت مہدزای باب ہفش اکم ی ادخای ب شح و ت سد ہب اہن اب ای خ

ہم زمان، جنبش فرشتہ سوم در ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ بہ دست وحش بی خدای مکاشفہ فصل یازدہم، جراحی کشندہ دریافت کرد۔ آن جنبش از آدونتیسٹ ہای روز ہفتم لائودیکہ تشکیل شدہ بود، و در سال ۲۰۲۳، آن جنبش بہ عنوان جنبش فیلا دلفیایی فرشتہ سوم برانگیختہ شد۔ ہر دو شاخ در سال ۲۰۲۰ کشتہ شدند، و ہر دو شاخ پس از سہ روز و نیم نمادین برمی خیزند۔ تشکیل تصویر سیاسی وحش عبارت است از اتحاد کلیسا و دولت در ایالات متحدہ، و وحشی کہ آنان در ایام آخر از آن تصویر می سازند، وحش ہشتم است کہ از آن ہفت می باشد۔ ہنگامی کہ وحش تصویر در ایالات متحدہ تشکیل شود، همان خصیصہ دقیقاً نبوی وحش ہشتم روم را دارا خواہد بود۔

ہر گاہ آزمون تصویر وحش بر شاخ پروتستان حقیقی بہ انجام رسد، آنان کہ حقایق نبوی مرتبط با تشکیل تصویر وحش را در ہر دو شاخ وحش زمین درمی یابند، برای ابدیت با تصویر مسیح مہر خواہند شد۔ آن باکرگان جاہل کہ رؤیای باطل و فریبندہ را پذیرفتہ اند، تصویر وحش را برای ابدیت تشکیل دادہ خواہند بود۔

یہی وہ منظر تھا جو نبی حزقی ایل نے دیکھا، جب اس کی حیران نگاہوں کے سامنے ایسی علامتیں پیش کی گئیں جو ایک ایسی قدرت کو ظاہر کرتی تھیں جو زمینی حاکموں کے معاملات پر حاکم و متصرف ہے۔ ایک دوسرے کو کاٹتے ہوئے پہلے چار جاندار مخلوقات کے ذریعے حرکت دیے جا رہے تھے۔ ان سب کے بہت اوپر ”تخت کی شبیہ تھی، جس کی صورت یاقوت کبود جیسی تھی؛ اور اس تخت کی شبیہ کے اوپر ایک شبیہ ایسی تھی گویا انسانی صورت ہو۔“ حزقی ایل 1:26، RSV۔

»چرخ ہا، کہ آن قدر پیچیدہ بودند کہ در نخستین نگاہ درہم و آشفٹہ می نمودند، در ہماہنگی کامل حرکت می کردند۔ موجودات آسمانی آن چرخ ہا را بہ حرکت درمی آوردند۔ جریان پیچیدہ رویدادہای انسانی زیر نظارت الہی است۔ در میان کشاکش و غوغای ملت ہا، آن کہ بر فراز کروبیان نشستہ است، ہنوز ہم امور این زمین را ہدایت می کند۔ خدا برای ہر ملت و ہر فرد، در طرح عظیم خود جایگاہی معین کردہ است۔ امروز انسان ہا و ملت ہا بہ انتخاب خود، سرنوشت خویش را رقم می زنند، و خدا بر ہمہ چیز حاکم است تا مقاصد خود را بہ انجام رساند۔«

»پیشگوئی ہایی کہ من ہستم عظیم در کلام خویش عطا فرمودہ است، بہ ما می گویند کہ در سیر اعصار در کجا ایستادہ ایم۔ ہر آنچہ نبوت تا زمان حاضر پیشگوئی کردہ است، بر صفحات تاریخ نقش بستہ است، و ہر آنچہ ہنوز در پیش است، در ترتیب خود بہ انجام خواہد رسید۔«

»نشانیہای زمان اعلام می دارند کہ ما بر آستانہ رویدادہایی عظیم و ہولناک ایستادہ ایم۔ ہمہ چیز در دنیای ما در تلاطم است۔ نجات دہندہ از وقایعی کہ پیش از آمدن او رخ خواہند داد، نبوت فرمود: «و از جنگ ہا و اخبار جنگ ہا خواہید شنید۔۔۔ امتی بر امتی، و مملکتی بر مملکتی خواہد برخاست؛ و قحطی ہا و وبا ہا و زلزلہ ہا در جاہای مختلف پدید خواہد آمد۔» متی 24:6، 7۔ حاکمان و رجال سیاسی درمی یابند کہ چیزی عظیم و سرنوشت ساز در شرف وقوع است—اینکہ جہان بر لبہ بحرانی سہمگین ایستادہ است۔«

»انجیل مقدس، اور صرف انجیل مقدس ہی، اُن واقعات کا درست منظر پیش کرتی ہے جو پہلے ہی اپنی پرچھائیاں آگے ڈال رہے ہیں، اور جن کی آمد کی آہٹ زمین کو لرزا رہی ہے اور خوف کے باعث لوگوں کے دل بیٹھے جاتے ہیں۔‘ دیکھو، خداوند زمین کو ویران اور سنسان کر دے گا، اور اس کی سطح کو الٹ پلٹ دے گا اور اس کے باشندوں کو پراگندہ کر دے گا۔‘ کیونکہ انہوں نے شریعتوں سے سرکشی کی، آئین کو توڑا، ابدی عہد کو شکستہ کیا۔ اس لیے لعنت زمین کو نکل جاتی ہے، اور اس کے باشندے اپنی بدکرداری کے باعث سزا پاتے ہیں۔‘ یسعیاہ 24:1، 5، 6، RSV۔

«آه! زیرا آن روز عظیم است، و هیچ‌یک مانند آن نیست؛ و آن، زمان تنگی یعقوب است؛ اما او از آن نجات خواهد یافت.» ارمیا 30:7.

«زیرا تو خداوند را که ملجأ من است، یعنی حضرت اعلی را، مسکن خود ساخته‌ای؛ هیچ بدی بر تو عارض نخواهد شد، و هیچ بلایی به خیمه تو نزدیک نخواهد آمد.» مزمور ۹۱:۱۰.

«خداوند در ساعت بزرگ‌ترین خطر کلیسای خویش، او را وانخواهد گذاشت. او رهایی را وعده داده است. اصول ملکوت او از سوی همگان در زیر آفتاب حرمت خواهد یافت.» Historical Sketches, 277-279

«پیچیدگی بازی رویدادهای انسانی» همان چیزی است که در رؤیای حزقیال از قدس‌الاقداس، در زمان مهر شدن، به‌وسیله چرخ‌هایی که در میان چرخ‌ها تلاقی می‌کردند، به تصویر کشیده شد. آن رویدادها تحت مهار الهی هستند، زیرا آن رویدادها تحقق همه رؤیاهای کلام خداوندند که اثر نهایی و کامل خود را در زمان مهر شدن می‌یابند. «آوایی» وجود دارد که «بحرانی عظیم» را مشخص می‌سازد؛ بحرانی که «جهان در آستانه» درک آن است. آن «آوا» سبب می‌شود که «زمین بلرزد و دل‌های مردمان از ترس از کار بیفتند.» هم لرزش زمین و هم از کار افتادن دل‌های مردمان از ترس، نمادهای صدای شیپور هفتم و نهایی است که همان وای سوم است.

برآشفتن ملت‌ها به‌وسیله اسلام وای سوم، همچون زنی در حال زایمان است؛ و بدین‌سان نمایانگر بحرانی فزاینده و تشدیدشونده می‌باشد. آن بحران تشدیدشونده در 11 سپتامبر 2001 آغاز شد؛ و در 7 اکتبر 2023، درد شدید بعدی زایمان فرارسید، و چون کلام خدا هرگز ناکام نمی‌ماند، درد زایمان بعدی بسیار به‌زودی در راه است، و از این نیز ویرانگرتر خواهد بود. آیا هنوز در شهری زندگی می‌کنید؟

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«برای نبی، چرخ در میان چرخ، و نمود موجودات زنده‌ای که با آنها پیوسته بودند، همه پیچیده و غیرقابل تبیین می‌نمود. اما دست حکمت نامتناهی در میان چرخ‌ها دیده می‌شود، و نظم کامل حاصل کار آن است. هر چرخ که به دست خدا هدایت می‌شود، با هر چرخ دیگر در هماهنگی کامل عمل می‌کند. به من نشان داده شده است که عوامل انسانی در معرض آن‌اند که در پی قدرتی بیش از حد باشند و بکوشند خود کار را مهار کنند. آنان در روش‌ها و نقشه‌های خود، بیهوده خدا، آن عامل مقتدر، را بیش از اندازه کنار می‌گذارند و در هر آنچه به پیشرفت کار مربوط است، همه‌چیز را به او واگذار نمی‌کنند. هیچ‌کس نباید حتی برای لحظه‌ای گمان کند که قادر است اموری را که به «من هستم» عظیم تعلق دارد، اداره کند. خدا در مشیت خود راهی آماده می‌سازد تا کار به‌وسیله عاملان انسانی انجام پذیرد. پس هر کس در جایگاه وظیفه خود بایستد، تا سهم خویش را برای این زمان به انجام رساند و بداند که خدا آموزگار اوست.» شهادت‌ها، جلد ۹، ص. ۲۵۹.